عدم تمشی قصد قربت توسط رباتت

شاگرد2: قبلاً فروعاتی را فرمودی که بعضی منوط به نفس قدسی است و بعضی ...، خب اگر درک داشته باشند.. .

استاد: ما در اینها مشکلی نداریم. در فقه، جایی که نیاز به قصد قربت داریم، هیچ کجا رباتت نمی‌تواند جای این را بگیرد.

شاگرد2: حتی اگر به این مرحله از درک هم رسیده باشد؟

استاد: بله، چون قوام امر عبادی به قصد تقرب است که معرفة الله و اتصال روح به عالم ملکوت می‌خواهد؛ اینها را می‌خواهد و اینها شرط صحت کار فقهی است. به خلاف معاملهٔ که قصد، شرط صحت معاملهٔ است، اما چه قصدی؟ قصدی که قوامش به تقرب الی الله است؟ نه. لذا در معاملات، می‌توانیم قصد پایه‌محور را موضوع برای حکم فقهی قرار بدهیم. اما در جایی که پایهٔ قصد، به تقرب و معرفت است -به آن معرفتی که درک و عقلانیت می‌خواهد- این هوش مصنوعی، آن را ندارد و لذا تا آخر تردیدی نداریم که مثلاً نمی‌تواند نائب حج بشود که بگوییم یک رباتی را نائب می‌کنیم که برای کسی حج تمتع به جا بیاورد! چرا؟ چون شرط صحت حج، قصد تقرب الی الله سبحانه و تعالی است و این، از پایه‌محور برنمی‌آید. مقصود من این بود.

شاگرد1: بعضی از مجازات‌ها خوب است؛ مثلاً اگر به نامحرم نگاه کرد و حس داشت، مجازاتش می‌کنیم.

شاگرد3: اینها ثمرات اخلاقی است، نه فقهی. مثلاً در قانونی که ما وضع می‌کنیم، می‌تواند ثمر داشته باشد، اما در فقه، چنین چیزی را نداریم.

شاگرد1: یکی از نکات قانون‌گذاری این است که آنقدر دقیق نیست که احساس و قصد را به میان بیاورد، لذا بُرش‌ها را روی حالت درونی نمی‌برد. اما اگر یک موجودی باشد که قابل کنترل باشد... مثلاً عقلاء می‌گویند کسی که از چراغ قرمز در شود، دیگر تمام است. اما همین را بگویند کسی می‌خواسته در بشود تا قانون را زیر پا بگذارد، ای کسی بوده که حواسش نبوده؛ ما ممکن بود تفاوت بگذاریم، اما از آنجایی که دقیق است، در قانون‌گذاری ممکن است لحاظ نشود...

شاگرد3: آیا وارد شدن در افق حیوانی ارزش دارد؟ مثلاً گربه احساس دارد و درک دارد و بیشتر از رباتت است، ولی از نظر فقهی برای مجازات گربه چیزی مترتب نمی‌شود. احساسی که حاج آقا می‌گوید، پایه‌اش این است تا بعد به احساس انسانی برسد. یعنی اگر گربه این احساس را داشته باشد، در فضای فقه تأثیری نمی‌گذارد.

استاد: توضیح شما آن چیزی است که در ذهنم هست، اما من ابائی ندارم؛ فعلاً در محدوده ذهن من است. یعنی آن آگاهی‌ای را هم که توضیح دادم، صرفاً برای بحث علمی‌اش بود و الاّ فعلاً مطابق آنچه

که در ذهن من است، آن توضیح بخشی که نمادین نیست -که از احساسها و محدودههای شکاف تبیین است- فعلاً فوائد کلامی ای فقهی در ذهن من نیست. اگر شما پیدا کردید من خوشحال میشوم. شما هم نسبت به ثمره داشتن آن، نفی نکردید و میگویید ببینیم ثمره دارد ای نه.

شاگرد۴: مثال قصد ریبه که زدند، از نظر فقهی ثمره دارد.

استاد: من هنوز وارد آن نشدهام. اینکه میشود ای نمیشود، مشکلی ندارم. کسانی که مدعی هستند که این حالات را میتوان در هوش مصنوعی پیاده کرد، حرفهای خیلی بلندپروازانهای نیز میزنند؛ حالا اینکه بشود ای نشود، حرفی است، ولی میزنند.

شاگرد۵: مثالی که میزنند، اثر حقوقی ندارد؛ این قصد، مربوط به امور اخروی است و اثر فقهی ندارد.

شاگرد۱: «العین بالعین» که هست. اگر استاندارد درست شود، میگوییم حالا ما هم چشم رباتها را کور کنیم، نه اینکه فقط آن را از کار بیندازیم.

استاد: وقتی سنسوری در رباتها که تصویری میدهد و پردازش نور میکند و در پردازش خودش تشخیص الگو میدهد که این مرد است ای زن است، و محدودهای است که آیا من اجازه دارم نگاهش کنم ای اجازه ندارم، شما میتوانید همه اینها را در پایه میتوانید پیادهسازی کنید. بعداً هم حتی آنالیزی کنید. آن وقت، هر چه بیشتر توسعه بدهید، جلو میروید. یعنی وقتی سنسورها میخواهد تشخیص الگو بدهد و تا مرحلهای از تشخیص الگو رسید، آیا برنامه اجازه دارد ادامه بدهد ای نه؟ این چیز محالی نیست که برنامهنویس و حتی بعداً خود هوش این کار را بکند؛ یعنی گامهایی که در مراحل بعدی برای تشخیص الگو و دریافت تصویری از سنسور برمیدارد، یک جا بگوید که مجاز نیستی؛ یعنی اخلاق رباتی در محدوده خودش را اجرا کند. الآن میگوینی نه دیگر، تو در اینجا اجازه نداری. چرا؟ چون اگر ادامه بدهی تصویری یک مؤمنهای در اینجا ثبت میشود و خیلیها میبینند و وقتی به این حد از تشخیص الگو رسیدی و فهمیدی یک خانمی است که شناسایی میشود، ادامه ندهد. من حرفی ندارم؛ باز هم شما فکر کنید.

بازبینی #2
ایجاد شده در 27 مه 2025 16:53:01 توسط ... .
به روزرسانی شده در 27 مه 2025 17:08:32 توسط ... .